



قرآن و نهج البلاغه؛ دو منبع اصلی علم «کلام» در شیعه

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمد مهدی احمدی» دانش‌آموخته فقه، اصول فقه و فلسفه و کلام اسلامی از حوزه علمیه قم و مدرس این درس در حوزه است.

با وی در رابطه با هویت فلسفه و کلام اسلامی در میان مجموعه علوم اسلامی به گفت‌وگو نشستیم. بخش نخست از گفت‌وگوی اختصاصی خبرنگار سرویس اندیشه و علم ایکنا با این استاد حوزه علمیه تقدیم شد. حجت‌الاسلام احمدی تأکید کرد که کلام اسلامی با گرفتن رنگ فلسفی به خود، از زمان خواجه نصیرالدین طوسی، رشد بیشتری پیدا کرد؛ چرا که همان مسائل کلامی متکلم در قالب و شکل بهتری تبیین و به اعتقاد ما منشأ رشد کلام اسلامی شد.

احمدی در پاسخ به این سؤال که ظاهراً زمانی متکلمین بزرگ شیعی، مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، ابن‌قولویه و ... کتب برجسته اصول عقاید و کلامی شیعه را نوشته‌اند، اما بعد از کار خواجه‌نصیر در مزوج ساختن کلام و فلسفه، ظاهراً حوزه‌های ما زیاد به مبانی اصول عقاید شیعه که بزرگان مذکور به آن می‌پرداختند، زیاد نمی‌پردازند. آیا این امر به ضرر ما نیست و ما را از متون اصلی کلام دور نمی‌سازد؟ گفت: نه، اکنون کلام شیعه بسیار توسعه پیدا کرده است. اکنون شبهات جدید بسیاری مطرح شده است که برای پاسخ به آن‌ها کلام جدید را مطرح می‌کنند که قبلاً نبود.

وی افزود: در زمان شیخ مفید کلام شیعه در حد خود اشباع شده بود و پاسخ‌گوی زمان خاص خود هم بود، اما امروزه نمی‌توانیم با همان محدودیت‌ها و مقولات پاسخ‌گوی شبهات امروزی، باشیم. امروزه شبهات هوسعت شده است، لذا طبعاً باید با آنها قالب‌های، مباحث، هاید، مدار، شمه.

درست است که کلام شیعی مشترکاتی را با کلام معتزلی دارد، مانند مسائل حسن و قبح عقلی و ... ؛ چرا که معتزله برخلاف اشاره عقل‌گرا بوده‌اند و این جزو نقاط قوت آن‌ها بود و آن‌ها را به امامیه نزدیک می‌کرد، ولی در بسیاری از مسائل مانند صفات خدا، شیعه امامیه با معتزله اختلافات اساسی دارد

استاد فلسفه و کلام اسلامی حوزه علمیه قم تأکید کرد: اکنون کلام قدیم پاسخ‌گوی مسائل امروزی نمی‌تواند باشد. با این گستردگی فلسفه و شبهات کلامی جدید، کلام رنگ، بو و شکل دیگری پیدا کرده است و طبیعی است که به نظر ما نه تنها آن امر پیش‌گفته به ضرر کلام نیست، بلکه به نفع آن نیز تمام شده است؛ یعنی اگر کلام امروز را با کلام زمان پیشین مقایسه کنید، می‌بینید که کلام بسیار به تکامل رسیده است.

وی در پاسخ به این سؤال که اما با توجه به این‌که هم‌چنان تجدیدالاعتقاد خواجه‌نصیر به عنوان مهم‌ترین کتاب کلامی شیعه معروف است، آیا مباحث کلامی این کتاب (مثلاً قاعده لطف) اقیانوس‌کننده است یا نه؟ و آیا در ادامه تجدیدالاعتقاد، کتب کلامی‌ای در حوزه‌های ما نوشته شده است یا نه؟ گفت: می‌توان به برهان نظم یا قاعده لطف انتقاد داشت و من نمی‌گویم که تمام ادله آن‌ها قانع‌کننده است.

وی افزود: اما امروزه در حوزه خوشبختانه کارهای زیادی صورت گرفته است و طلابی را در رشته کلام تربیت می‌کنند. در خود کلام هم حوزه علمیه و مرکز جهانی، رشته کلام را دارد و در این زمینه بسیار کار می‌کند و کتب بسیاری نوشته شده است. به نظر من حوزه در زمینه کلام رشد بسیار زیادی پیدا کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمدی در پاسخ به این سؤال که با توجه به نظر برخی از محققین، آیا کلام شیعی متأثر از کلام معتزلی است؟ گفت: درست است که کلام شیعی مشترکاتی را با کلام معتزلی دارد، مانند مسائل حسن و قبح عقلی و ... ؛ چرا که معتزله برخلاف اشاره عقل‌گرا بوده‌اند و این جزو نقاط قوت آن‌ها بود و آن‌ها را به امامیه نزدیک می‌کرد، ولی در بسیاری از مسائل مانند صفات خدا، شیعه امامیه با معتزله اختلافات اساسی دارد.

وی خاطرنشان کرد: اما در آن جنبه از مسائل که جنبه عقلی دارد و با تعقل پیش می‌رود، مشترکات بیشتری با معتزله داریم و این به معنای آن نیست که کلام شیعی متأثر از کلام معتزله باشد، بلکه کلام شیعی ریشه در خود قرآن و روایات دارد. در خود نهج‌البلاغه مباحث و مسائل فلسفی و کلامی مطرح شده است. در خود قرآن و روایات هم این مسائل مطرح شده‌اند، پس چگونه می‌توان گفت که شیعه این مسائل را از معتزله گرفته است؟